تضاد سلایق

داروی آنتی بیوتیک telithromycin با نام تجاری Ketek® توسط کمپانی فرانسوی Sanofi-Aventis® و به منظور درمان عفونت‌های سیستم تنفسی مثل سینوزیت، برونشیت و نومونی در سال ۲۰۰۱ در کشور آمریکا عرضه شد. این کمپانی برای دریافت تائیدیه FDA چندین کارآزمائی بالینی را عرضه کرد که مهمترین آنها Study 3014 نام داشت و توسط خانم Maria Kirkman Campbell روی ۲٤۰۰۰ فرد داوطلب انجام شده بود و بالاخره توانست در سال ۲۰۰٤ این تائیدیه را دریافت کند. برخی گزارشات عوارض خطرناکی همچون هپاتیت، از کار افتادن کبد و ٤ مورد مرگ به دنبال مصرف این دارو را نشان دادند. FDA با بررسی نامه‌های رد و بدل شده و مکالمات انجام شده توسط این شرکت و Kirkman Campbell دریافت که وی به دلیل دریافت دستمزد هنگفت از این شرکت خود را موظف به دستکاری در داده‌های این آزمون دیده و عوارض این دارو را گزارش نکرده است. این شخص در سال ۲۰۰٦ محکوم به ۵۷ ماه حبس شده و تائیدیه FDA برای Ketek® نیز پس گرفته شد [۱]. این مورد یکی از شاید هزاران موردی است که سالیانه در کشورهای مختلف – و چه بسا در ایران - و به دنبال عدم اعلام "تضاد سلایق (تضاد رقابت ها)" (Conflict or Competing of Interests) توسط آزمون‌گرهای کارآزمائی‌های بالینی اتفاق می- افتد و تنها معدودی از آنها فاش می‌شوند. اگر چه موضوع تضاد سلایق در حیطه پزشکی موضوع تازه‌ای نیست و از اویل دهه ۸۰ میلادی اذهان عمومی را به خود جلب کرده است و برخی نشریات معتبر مثل NEJM (New England Journal of Medicine) از سال ۱۹۹۰ میلادی نویسندگان مقالات خود را موظف به اعلام هرگونه تضاد سلیقه اعم از دانشگاهی و اقتصادی نموده‌اند [۲]، اما، در دهه اخیر "تضاد سلایق" کانون توجه مجلات و سردبیران شده است. مجله "فیض" نیز با یک اقدام ابتکاری، سیاست اعلام تضاد سلایق برای مقالات را از شماره قبل در پیش گرفت و از نویسندگان مقالات خود خواست تا در صورت داشتن هرگونه تضاد سلیقه، آن را برای مجله و خوانندگان محترم آن آشکار سازند. به علاوه نویسندگان مقالات مجله "فیض" موظف شده‌اند که حتماً در پایان مقاله خود و در بخش "تشکر و قدردانی" منبع تامین کننده مالی طرح پژوهشی خود را اعلام نمایند. علی رغم اینکه امروز بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی "تضاد سلایق" تاکید می‌شود اما، طبق تعریف ارائه شده توسط مجمع جهانی سردبیران مجلات پزشکی (ICMJE)، تضاد سلیقه زمانی رخ می‌دهد که یک نویسنده یا شورای نویسندگان، داور مقاله یا سردبیر یک مجله ارتباطات شخصی یا اقتصادی ای داشته باشند که به طور غیر مقتضی بر عملکرد آنها اثر سوء بگذارد. به عبارت بهتر، علی رغم عقیده فرد مبنی بر اینکه این گونه روابط می‌تواند بر کار و وظیفه او تاثیر گذار باشد یا نه، وجود چنین روابطی می‌تواند عامل بالقوه برای ایجاد سوءگیری باشد [۳]. دریافت گواهی یا مدرک از یک بنگاه اقتصادی – مثل یک شرکت تولید کننده دارو، داشتن سهام در آن شرکت، دریافت انواع جوایز و تشویق نامه‌ها به هر دلیل، در استخدام آن شرکت بودن، مشاوره دادن به شرکت و مهم تر از همه دریافت کمک هزینه (گرنت) انجام طرح‌های پژوهشی از طرف شرکت، همه و همه از مواردی هستند که به عنوان تضاد سلیقه اقتصادی در نظر گرفته شده [۵،٤] و بر اساس دستور العمل‌های COPE (Committee on Publication Ethics) باید توسط نویسندگان مقاله به دفتر مجله اعلام شوند. داوران مقالات نیز موظف هستند در صورت داشتن هرگونه روابط اقتصادی مربوط به مقاله ارسالی برای آنها، سردبیر مجله را بلافاصله آگاه سازند [٦]. جالب اینجاست که بر اساس توصیه های COPE و ICMJE و برای شفاف سازی هرچه بیشتر روند داوری و انتشار مقالات علمی، سردبیران مجلات نیز موظف به ارائه لیست تضاد سلایق و رقابت‌های خود هستند. برای مثال با مراجعه به آدرس-http://resources.bmj.com/bmj/about bmj/about-bmj/editorial-staff/fiona-godlee می‌توان تضاد سلایق Fiona Godlee سردبیر مجله معتبر BMJ را مشاهده نمود. ممکن است این سئوال برای خواننده پیش آمده باشد که وقتی قرار است یک مقاله در مجله چاپ شود اعلام کردن این نوع روابط اقتصادی چه اهمیتی دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت که گروه های هدف مقاله مذکور با زاویه دید دیگری به آن نگریسته، حداقل آن مقاله را مرجع متقن تصمیم گیری خود قرار نداده و به مقالات بیشتری رجوع می کنند. نوع دیگری از تضاد سلایق که ممکن بر اعتبار یک مقاله یا سند علمی منتشر شده لطمه وارد کند، روابط شخصی و دانشگاهی افراد با یکدیگر است [۷]. این مطلب بدین معنی است که نویسنده مقاله موظف است سردبیر را از داشتن روابط دوستانه یا خصمانه ای که با هر یک از دست اندرکاران انتشار مقاله اعم از کارکنان دفتر مجله یا داوران دارد آگاه سازد. برای مثال، یک نویسنده می‌تواند از سردبیر مجله درخواست کند که مقاله ارسالی وی را برای داوری نزد فلان همکار دانشگاهی خود نفرستد؛ چون هر دو در تلاش اند تا با کسب امتیازات بیشتر، کرسی ریاست گروه را در دست گیرند و به

[Downloaded from feyz.kaums.ac.ir on 2026-10-14]

علاوه شخص مذکور از انجام این طرح پژوهشی آگاه است و همه این موارد می‌تواند امکان انجام یک داوری عادلانه را از وی سلب کند. یک داور نیز باید تضاد سلایق شخصی و دانشگاهی خود با نویسنده/ نویسندگان را به اطلاع سردبیر برساند و آن گاه این سردبیر یا شورای سردبیران است که در مورد روند بررسی و انتشار مقاله مذکور تصمیم گیری می‌کنند [۸]. باشد که در آینده‌ای نه چندان دور شاهد ایستادن دانشمندان و محققین ایران اسلامی عزیزمان بر قله های رفیع دانش و پژوهش باشیم.

سید علیرضا طلائی زواره

مدیر فنی مجله علمی پژوهشی فیض

References:

[1] Ross DB. The FDA and the case of Ketek. ***New Engl J Med*** 2007; 356: 1601-4.
[2] Relman AS. New information for authors and readers. ***N Engl J Med*** 1990;323:56.
[3] Drazen JM, Van Der Weyden MB, Sahni P, Rosenberg J, Marusic A, Laine C, et al. Uniform Format for Disclosure of Competing Interests in ICMJE Journals. ***JAMA*** 2010; 303: 75-6.
[4] Thompson DF. Understanding Financial Conflicts of Interest. ***New Eng J Med*** 1993; 329(8): 573-6.
[5] Kassirer JP, Angell M. Financial Conflicts of Interest in Biomedical Research. ***New Eng J Med*** 1993; 329(8): 570-1.
[6] Smith R. Conflict of interest and the BMJ. ***BMJ*** 1994; 308: 4.
[7] Smith R. Beyond conflict of interest. ***BMJ*** 1998; 317: 291-2.
[8] Morin K, Rakatansky H, Riddick FA, Morse LJ, O'Bannon III JM, Goldrich MS, et al. Managing Conflicts of Interest in the Conduct of Clinical Trials. ***JAMA*** 2002; 287(1): 78-84.

[Downloaded from feyz.kaums.ac.ir on 2026-10-14]